

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره یکم - بهار ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۵

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن‌ها در لهجه طرقي از گویش راجی

(ص ۱-۲۳)

مژگان اصغری طرقي^۱

 20.1001.1.2345217.1401.12.1.1.1

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در این پژوهش، حروف به‌عنوان مبحثی درخور توجه در جمله، با تمرکز بر موارد خاص لهجه طرقي از گویش راجی بررسی و بدین منظور، جمله‌های متعددی به‌صورت کاملاً تصادفی از کلام گویشوران طرقي رود (از توابع شهرستان نطنز در استان اصفهان) برگزیده و حروف در آن‌ها تحلیل شده است. در بخش نخست، برخی مقدمات و در بخش دوم، پیشینه پژوهش درباره گویش راجی و لهجه طرقي تبیین شده است؛ آن‌گاه به مبحث اصلی پرداخته و ابتدا برخی حروف اضافه طرقي معرّفی و تشریح شده؛ سپس به جایگاه، ساختار و حذف حروف در جمله‌های طرقي پرداخته شده و در نهایت، جمع‌بندی مطالب صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر بدین شرح‌اند: استفاده از برخی حروف اضافه ساده و مرکب خاص به‌لحاظ جایگاه، ساختار، کاربرد و ویژگی‌های آن‌ها در جمله‌های طرقي و حضورشان در کلام فارسی گویشوران طرقي؛ دسته‌بندی حروف اضافه مورد استفاده در جمله‌های طرقي به‌لحاظ جایگاهشان در جمله (متناسب با متمم) به اقسام پیشین، پسین، پیشین و پسین، و دوجزئی (تفکیک‌پذیر به‌وسیله متمم)؛ شباهت زیاد حروف ربط طرقي و فارسی به‌لحاظ نوع و کاربرد، و لغزندگی جایگاهشان در جمله در برخی موارد؛ دسته‌بندی حروف مورد استفاده در جمله‌های طرقي از نظر ساختاری به دو نوع ساده و مرکب (تفکیک‌پذیر و تفکیک‌ناپذیر)؛ بسامد و تنوع چشمگیر حذف حروف در جمله‌های طرقي در مقایسه با فارسی و انتقال یافتن این فرایند به کلام فارسی گویشوران طرقي؛ حذف شدن «را»ی نشانه مفعول در تمام جمله‌های طرقي؛ حذف پربسامد تمام یا بخشی از حروف اضافه؛ شباهت زیاد الگوی حذف حروف ربط در جمله‌های طرقي و فارسی.

کلمات کلیدی: گویش، گویش‌شناسی، حروف، راجی، طرقي.

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی - مدرّس دانشگاه جامع علمی - کاربردی



۱. مقدمه

یکی از اقدامات بایسته و شایسته‌ای که به‌ویژه قشر فرهیخته جامعه در جهت حفظ فرهنگ و هویت ملی باید انجام دهد، ثبت و ضبط گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون رایج در کشور به‌عنوان میراث گران‌قدر برجای مانده از گذشتگان و نیز انجام دادن پژوهش‌های دقیق و تخصصی به‌منظور تحلیل و بررسی آن‌ها از منظرهای گوناگون زبان‌شناختی و گویش‌شناختی است. افرادی که به هرکدام از این گویش‌ها و لهجه‌ها اشراف دارند، باید در این زمینه، اهتمام بسیار داشته باشند تا از این رهگذر، علاوه بر حفظ بخشی مهم از هویت ملی و پیشینه فرهنگی کشور از خطر انقراض، در مسیر غنابخشیدن به زبان فارسی با استفاده از این‌گونه آثار و پژوهش‌ها گام‌هایی اساسی بردارند (نک. مدزسی، ۱۳۸۴).

در این راستا در پژوهش پیش‌روی، حروف ربط، اضافه و نشانه در لهجه طرقي از گویش راجی^۱ بررسی و سعی شده است برخی کاربردها و ویژگی‌های خاص این دسته از واژه‌ها در کلام گویشوران طرقي نشان داده شود. تأملی هرچند مختصر در سخن گویشوران طرقي نشان می‌دهد مقوله حروف در این لهجه از گویش راجی، ویژگی‌هایی خاص و درخور توجه دارد که ضرورت پژوهش درباره آن را توجیه می‌کند؛ بدین ترتیب، از طریق بررسی حروف ربط و اضافه و نشانه، و ویژگی‌ها و کاربردهای خاص آن‌ها در جمله‌های طرقي، هم می‌توان به ثبت و حفظ این لهجه پرطرفات از گویش راجی کمک کرد و هم علاقه‌مندان به فراگیری آن را یاری داد و فراتر از آن، در حوزه‌های زبان‌شناسی و گویش‌شناسی نیز گامی هرچند کوچک برداشت.

راجی / رایجی / رازی / راسا / راسه یکی از گویش‌های منشعب از زبان فارسی است که در قلمروی گسترده از مرکز ایران، مشتمل بر منطقه‌های مختلف استان‌های قم، مرکزی و به‌ویژه اصفهان، از گذشته‌های بسیار دور تا امروز، گویشوران متعددی دارد و در هرکدام از این استان‌ها لهجه‌هایی را دربر می‌گیرد و همانند دیگر گویش‌ها و لهجه‌های متداول در کشورمان، خطر انقراض قریب‌الوقوع، آن را تهدید می‌کند (نک. دهقانان، ۱۳۸۶؛ مقدمه کتاب: آقاریع، ۱۳۸۳: ۷-۸؛ حلواجی نَشَلجی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۵؛ مجیدی، ۱۳۵۴: ۱-۱۳). این گویش در شهرستان نطنز از استان اصفهان، لهجه‌های طرقي، طاری، کِشه‌ای، تکیه‌ای، ایبانه‌ای، طره‌ای، طامه‌ای و نطنزی را شامل می‌شود که تفاوت عمده آن‌ها با یکدیگر از منظر آوایی (تلفظ) است و پس از آن، در حوزه‌های واژگان و گاه نیز دستورزبان، تفاوت‌هایی میان‌شان دیده می‌شود. در این پژوهش به‌صورت خاص، لهجه طرقي از گویش راجی موردنظر است که گویشوران شهر طرقرود از توابع شهرستان نطنز در استان اصفهان طی سده‌ها و بلکه هزاره‌های متمادی از گذشته تا امروز بدان سخن می‌گویند و در این محدوده مکانی تلاش شده است از طریق واکاوی جمله‌های متعدد برگرفته از کلام گویشوران طرقي که به‌صورت کاملاً تصادفی انتخاب شده‌اند، مقوله حروف با تأکید بر کاربردها و ویژگی‌های خاص آن تحلیل و بررسی شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته درباره گویش راجی و لهجه طرقي بدین شرح‌اند:

الف) کتاب‌ها

- گنجینه گویش‌های ایرانی: استان اصفهان از محمدمهدی اسماعیلی (۱۳۹۰): مؤلف در این کتاب، لهجه‌های طرقي، طاری، کسه‌ای، طامه‌ای، نطنزی و تکیه‌ای از گویش راجی را به صورت مقابله‌ای و تطبیقی بررسی کرده و اثر مورد بحث، شامل پنج فصل بدین شرح است: فصل اول با عنوان «کلیات»، مشتمل بر معرفی گویش راجی و لهجه‌های گوناگون آن و سپس توضیح درباره منطقه مورد مطالعه (شهرستان نطنز و قسمت‌های زیرمجموعه آن)؛ فصل دوم در شرح ویژگی‌های زبانی (آوایی، صرفی و نحوی) گویش راجی؛ فصل سوم، شامل واژه‌نامه موضوعی و دربرگیرنده واژه‌های فارسی و معادل‌های آن‌ها در لهجه‌های بررسی شده به شکل آوانگاری با استفاده از حروف لاتین و از نوع مطابقه‌ای و مقایسه‌ای؛ فصل چهارم، مشتمل بر صرف مقابله‌ای و تطبیقی فعل‌های لازم (ناگذر) و متعدی (گذرا) و نیز ساده و مرکب و پیشوندی با استفاده از آوانگاری لاتین در شش لهجه مورد بررسی؛ فصل پنجم، تعدادی جمله فارسی و معادل‌های آن‌ها در شش لهجه مورد بحث.

- فرهنگ جامع زبان و گویش نطنز از عباس دهقانیان (۱۳۸۶): این اثر، مباحث ذیل را دربر می‌گیرد: بیان توضیحاتی درباره «زبان نطنز» در مقدمه کتاب؛ ارائه فهرستی از لغات و ذکر معنای آن‌ها در بخش اول؛ بررسی و طبقه‌بندی ضمیرهای شخصی و ذکر مثال‌هایی از هر طبقه در بخش دوم؛ صرف تعدادی از فعل‌های مورد استفاده در این گویش در زمان‌های مختلف بدون آوانگاری آن‌ها و سپس نشان دادن کاربرد این فعل‌ها در تعدادی از جمله‌ها در بخش سوم.

- گویش‌های پیرامون کاشان و محلات از محمدرضا مجیدی (۱۳۵۴): مباحث مطرح شده در این کتاب بدین شرح‌اند: معرفی منطقه و گویشوران آن و سپس بیان ویژگی‌های منطقه؛ بررسی گویش‌های پیرامون کاشان، محلات و کهک قم (از جمله گویش راجی) و سپس بیان توضیحاتی درباره گویش راجی، معرفی گونه‌های آن (گویش محلات، گویش پیشین نراق، گویش بیجگان، گویش راجی نشلج، گویش قالهر، گویش برزک، گویش دلیجان، گویش واران، گویش زر، و گویش رایج در بخش قمصر و حومه کاشان) و پس از آن، ارائه فهرستی از برخی واژه‌های هریک از گونه‌ها با ذکر معادل فارسی و نیز آوانگاری فارسی و لاتین هر کدام از واژه‌ها در بخش دوم (قسمت اصلی کتاب).

- گویش راجی هنجن از ابوالحسن آقاریع (۱۳۸۳): مشتمل بر بیان ویژگی‌های آوایی و دستوری گویش راجی هنجن (شامل ویژگی‌های آوایی، ضمیرها و مصدرها) با ذکر برخی مثال‌ها؛ مبحث فعل، ارائه مثال‌هایی با ذکر معنای هر کدام، آوانگاری فعل‌ها با توجه به اقسام فعل و صرف آن‌ها در زمان‌ها

به شکل مختصر؛ واژه‌نامه‌ای شامل واژه‌ها و آوانگاری و معنای آن‌ها در بخش اصلی کتاب؛ تعدادی پیوست در پایان کتاب.

- فرهنگ گویش راجی نشلج از عباس حلواچی نشلجی (۱۳۹۰): مشتمل بر بحث درباره واژه‌های هم‌ریشه و سپس ذکر برخی واژه‌ها و معادل‌های اوستایی، پهلوی و... برای آن‌ها؛ ارائه فرهنگواره‌ای از واژه‌های رایج در گویش نشلجی؛ ثبت برخی اصطلاحات رایج در این گویش و معنای آن‌ها؛ ذکر تعدادی از ضرب‌المثل‌های مورد استفاده در این گویش بدون بیان معنی و مفهوم آن‌ها.

- واژه‌نامه راجی: گویش شهرستان دلیجان از حسین صفری، با مقدمه فریدون جنیدی (۱۳۷۳): شامل توضیحاتی درباره گویش راجی و ویژگی‌های آوایی و واژگانی و نیز دیگر ویژگی‌های مهم آن با ذکر تعدادی مثال، معرفی مختصر منطقه دلیجان و بحث درباره فعل‌ها در گویش راجی با ذکر مثال‌هایی و صرف آن‌ها در زمان‌ها و نیز آوانگاری فعل‌ها، و بیان مطالبی درباره مصدر و ضمیر و حروف اضافه و معرفه و نکره و تصغیر و جابه‌جایی حروف در پیشگفتار اثر؛ ارائه یک واژه‌نامه، شامل واژه‌ها و آوانگاری و معنای آن‌ها در بخش اصلی کتاب.

- زیندا: زندگی در بیدهند نظنز از علی طالبی بیدهندی (۱۳۹۸): این اثر در قالب دو مجلد عرضه شده و در جلد دوم آن، نویسنده به تفصیل، به مقوله‌هایی همچون دستور زبان، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و عبارات‌ها، جمله‌ها، شعرها و برخی واژه‌های کاربردی در «گویش بیدهندی» پرداخته است.

ب) مقاله‌ها

- «بررسی فرایندهای واجی گویش راجی» از محمود ملکی (آذر ۱۳۹۳) در مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان):

- «واژگان دال بر نام اندام‌های بدن در ساختار اصطلاحات گویش راجی: یک تحلیل شناختی» از امیر احمدی و حجت محرابی (۱۳۸۹) در همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران؛

- «کاربرد حروف در یکی از گویش‌های محلی استان اصفهان (گویش نیسیان)» از زهره نجفی (۱۳۹۰) در فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین؛

- «دستگاه صرف فعل در لهجه طرقی از گویش راجی» از مژگان اصغری طرقی (۱۳۹۸) در فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین؛

- «بررسی ساخت کُنایی در لهجه طرقی از گویش راجی از منظر انگاره ساخت واژه توزیعی» از طیبہ اسدی مفرح و مژگان اصغری طرقی (مقاله در دست انتشار) در فصلنامه زبان‌پژوهی؛

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۵

- (هم‌تصریفی حالت مطلق و مفعولی در طرقي از منظر ساخت‌واژه‌توزیعی) از طیبہ اسدی مفرح (مقاله در دست انتشار) در پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران (گذشته و حال)- دی‌ماه ۱۳۹۹.

ج) پایان‌نامه‌ها

- توصیف گروه فعلی گویش راجی: گویش دلجان از داوود مدنی (۱۳۷۴) به‌راهنمایی کوروش صفوی؛

- بررسی فرایندهای اشتقاق و ترکیب در گویش راجی هنجن از راشین رئیس‌پور (۱۳۹۰) به‌راهنمایی فریبا قطره؛

- بررسی زبانی، ادبی و محتوایی ضرب‌المثل‌های گویش راجی شهرستان دلجان از سعید خراسانی (۱۳۹۸) به‌راهنمایی محسن مؤمن.

درمجموع، پیشینه پژوهش درباره گویش راجی و لهجه‌های گوناگون آن نشان می‌دهد که در آثار تألیف‌شده در این حوزه، غالباً گویش راجی به‌صورت کلی بررسی و تحلیل شده و مقایسه‌هایی میان برخی لهجه‌های آن صورت گرفته و درباره لهجه طرقي از گویش راجی به‌صورت مستقل، تنها سه مقاله تألیف شده است؛ از این روی ضرورت دارد گویشوران و صاحب‌نظران گرامی به تألیف آثاری با موضوع تحلیل و بررسی شاخه طرقي از این گویش اهتمام اساسی ورزند تا از این رهگذر، گام‌هایی درخور توجه در مسیر ثبت‌وضبط، حفظ و ترویج این لهجه پرظرافت از گویش راجی بردارند و آن را از خطر انقراض قریب‌الوقوع نجات دهند. در مبحث حروف، دو مقاله در حوزه گویش راجی نگاشته شده است: یکی پژوهش نجفی (۱۳۹۰) با رویکرد بررسی کاربرد حروف در گویش رایج در روستای نیسیان (واقع در استان اصفهان) و دیگری پژوهش اسدی مفرح (مقاله در دست انتشار) که در آن، بحث «را»ی نشانه مفعول در لهجه طرقي از گویش راجی مطرح شده است. تاکنون به مقوله حروف با رویکردی جامع و تحلیل دستوری آن‌ها- چنان‌که در پژوهش پیش‌روی موردنظر بوده- در لهجه طرقي از گویش راجی پرداخته نشده است. در این مقاله تلاش خواهد شد مشخصاً این دسته از واژه‌ها در کلام گویشوران طرقي تحلیل و بررسی شوند.

۳. معرفی و بررسی حروف مورد استفاده در لهجه طرقي از گویش راجی

بررسی‌های صورت‌گرفته در کلام گویشوران طرقي نشان می‌دهد به‌طور کلی، حروف مورد استفاده در این لهجه از گویش راجی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست، حروف مشترک با زبان فارسی معیار و دوم، حروف خاص طرقي. نخستین دسته، حروفی را دربر می‌گیرد که به‌لحاظ آوایی، واژگانی، ساختاری، معنایی و کاربردی با همسان‌های خود در زبان فارسی معیار تفاوتی ندارند یا نهایتاً تفاوت بسیار جزئی به‌لحاظ آوایی میان آن‌ها و حروف مورد استفاده در زبان فارسی معیار دیده می‌شود؛ مانند:

که، تا، چون، به، از، پیش‌از، وقتی(که)²، اگر، به‌خاطر (اینکه)، ولی، و، یا، بعد(از) اینکه، ازراه، هم...هم... . دسته دوم از حروف مورد استفاده در جمله‌های طرقی، شامل مواردی است که برعکس گروه قبلی، از نظر آوایی، واژگانی، ساختاری، معنایی یا کاربردی، ویژگی‌هایی خاص دارند و به‌کارگیری آن‌ها در جمله‌های طرقی، یکی از عوامل بروز تفاوت میان لهجه طرقی از گویش راجی با زبان فارسی معیار است. در پژوهش پیش‌روی، پرداختن به حروف مشترک با زبان فارسی معیار ضرورتی ندارد و بنابراین، تنها به حروف دسته دوم، کاربردها و ویژگی‌های خاص آن‌ها در لهجه طرقی از گویش راجی پرداخته خواهد شد. در این حوزه، نکاتی خاص و درخور توجه به‌لحاظ ساختاری، کاربردی و... دیده می‌شود که در ادامه شرح داده می‌شوند.

۱-۳. برخی حروف اضافه خاص طرقی

در این بخش، حروف اضافه‌ای معرفی می‌شوند که به‌صورت خاص در لهجه طرقی از گویش راجی از آن‌ها استفاده می‌شود و به‌لحاظ آوایی، واژگانی، ساختاری، معنایی یا کاربردی، خاص کلام گویشوران طرقی (در مقایسه با زبان فارسی معیار) هستند. پیش‌از ورود به بحث معرفی و بررسی حروف اضافه طرقی، ذکر این نکته ضرورت دارد که درباره برخی حروف اضافه معرفی شده در این بخش (همچون bos(e), düm(e), jir(e), räšd(e), var(e), bar(e) و pan(e))، شبهه قیدبودن وجود دارد. در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت این موارد را بدان سبب حرف اضافه قلمداد کرده‌ایم که در تمام نمونه‌های حاوی آن‌ها در این مقاله، این عناصر دارای متمم هستند و همین مسئله، حرف اضافه‌بودنشان را اثبات می‌کند. اصولاً در مواردی از این دست، چنان‌که انوشه (۱۳۹۹: ۱۳ توضیحات درج‌شده در پاورقی) اذعان داشته و با ذکر مثال، به‌خوبی تحلیل کرده است، بافت محل قرارگیری عنصر، مقوله صرفی آن (در اینجا حرف اضافه) را تعیین می‌کند (نک. خطب‌رهبر، ۱۳۶۷: ۱۰). شبهه دیگر درباره حروف اضافه مرکبی همچون «از روی» مطرح می‌شود؛ بدین شرح که ممکن است برخی تصور کنند می‌توان ساختار این دسته از حروف اضافه را تفکیک کرد و قسمت دوم آن‌ها را متمم دانست؛ حال آنکه ساختار و نوع خوانش این دسته از حروف اضافه، دال بر مرکب‌بودن و به‌طور کلی، یک واحد بودن آن‌هاست (نک. همان: ۱۸ و ۹۴).

۱-۳-۱. de

این واژه از نوع حرف اضافه پسین است و در کلام گویشوران طرقی، کاربردی گسترده و متنوع، چه به‌تنهایی و چه در ترکیب با برخی حروف اضافه دیگر دارد. در کاربرد منفرد، پیش‌از این حرف اضافه، گروه اسمی، ضمیر^۳ و برخی انواع قیده‌ها قرار می‌گیرد.

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۷

حرف اضافه de به‌تتهایی، در جمله‌های طرقي به چهار معنا به کار می‌رود:

الف) در / توي:

ešgi kīya de nebo.

هیچ کس در/ توي خونه نبود^۴.

edi xov de boyand.

آن‌ها در خواب بودند.

kā de boye?

در کجا بودی؟

ب) از:

eč yā de xebar nedāru.

از هیچ‌جا خبر ندارم.

mu de vāšuparsä.

از من پرسیدند.

beše ov sūrated band xov sared de beppara!

برو آب [به]^۵ صورتت بزن [تا] خواب از

سرت پیره!

vānegerdä beyna kī pašsareš de aya.

برنگشت ببینه کی از پشت سرش می‌آد.

ج) با:

das de piš akiša (o) pā de pač.

با دست، پیش می‌کشه (و) پا پاس.

د) بدون معنای خاص:

piš de bore!

پیش (جلو) بیا!

علاوه بر آنچه گفته شد، حرف اضافه de با برخی حروف اضافه دیگر ترکیب می‌شود و حروف اضافه دوبخشی‌ای می‌سازد که خود، قسمت دوم آن‌هاست و متمم درمیان دو بخش سازنده حرف اضافه قرار می‌گیرد. این حروف عبارت‌اند از: de ... de, bos(e)^۶ ... de, dī ... de, fet(e) ... de, pan(e) ... de, bar(e) ... de, yo ... de, var(e) ... de, tel(e) ... de, rāšd(e) ... de, ... de. در بخش مربوط به هریک از این حروف اصلی درباره ترکیب آن‌ها با حرف اضافه de نیز توضیح داده و مثال‌هایی ذکر خواهد شد.

نکته جالب و درخور توجه درباره حرف اضافه de در دو حالت منفرد و ترکیب‌شده با دیگر حروف اضافه، آن است که گاه گویشوران طرقي هنگام سخن گفتن به زبان فارسی معیار، این حرف اضافه را عیناً در جمله‌های فارسی خود به کار می‌برند و در این حالت نیز جایگاه دستوری de در جمله، دقیقاً مانند آنچه در جمله‌های طرقي مشهود است، حفظ می‌شود. مثال:

گفتار گویشور فارسی معیار	گفتار گویشور طرقي به زبان فارسی معیار
از اینجا بیا!	اینجا د بیا!
از توي خونه‌ش زنگ زد.	تو خونه‌ش د زنگ زد.

۲-۱-۳. **dī**

این حرف اضافه به دو صورت در جمله‌های طرقی به کار می‌رود:

الف) به تهایی: در این حالت، حرف اضافه **dī** از نوع پیشین و پسین، و به معنای «به» و «در» / «توی» است. متمم این حرف اضافه قبل یا بعد از آن ظاهر می‌شود و همواره از نوع ضمیر شخصی پیوسته است. مثال:

xar lekeraš **dī** bas. خر بهشی لگد زد.

čišu **dī** mavä! چیزی بهشون نگو!

ega peyeš biya, **dīš** abanda. اگر پدرش بیاد، بهشی می‌زنه.

qözäyi oveš **dī** ki! غذاه رو آب در / توی اون کن!

این حرف اضافه گاه با متمم خود و فعل پس از آن ترکیب می‌شود و فعل صورتی بسیط‌گونه می‌یابد که تحلیل آن، مستلزم تأمل است. مثال:

püreš **dīšät**⁷. پسرش بهشی گفت.

adpīya **dīdāju**⁸ hezze medi kâ šoyand? می‌خواهی بهت بگم دیروز این‌ها کجا رفتند؟

گاه هنگام استفاده از حرف اضافه **dī** متمم حذف می‌شود و بر اساس بافت، قابل تشخیص است. مثال:

mu eččim **dī** nevät. من هیچی به [ش] نگفتم.

harčim **dīvät**, xärsümeš vät. هرچی به [ش] گفتم، به مادرزم / مادرشوهرم گفتم^۹.

ب) در ترکیب با حرف اضافه **de**: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی **dī ... de** به معنای «از» شکل می‌گیرد. متمم این حرف اضافه دوجزئی بین دو بخش سازنده آن واقع می‌شود و همواره از نوع ضمیر شخصی پیوسته است. مثال:

höyä kel **dīd de** häaguru. فردا کلید رو اذت می‌گیرم.

hama **dīšu de** atarsäyand. همه ازشون می‌ترسیدند.

dīš de väpars! ازشی بیرس!

۳-۱-۳. **rä**

در لهجه طرقی از گویش راجی برخلاف زبان فارسی معیار، این حرف در هیچ جمله‌ای نشانه مفعول واقع نمی‌شود و اساساً مفعول در جمله‌های طرقی، هیچ‌گونه حرفی را به عنوان نشانه همراه خود ندارد^{۱۰}. حرف اضافه **rä** در کلام گویشوران طرقی به سه شکل نمود می‌یابد:

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۹

الف) بهتتهایی و به معنی «برای»: در این حالت، حرف اضافه rā مانند آنچه در زبان فارسی کلاسیک دیده می‌شود^{۱۱}، از نوع پسین است و پیش از آن، گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیده‌ها متمم واقع می‌شوند. مثال:

برای کی می خواهی؟
kex rā adpiya?

همیشه خاطره‌های قدیم رو برای همه
hamiše xāterahā qedim hama rā ta'rif akera.
تعریف می‌کنه.

ما برای فردا صبح قرار گذاشتیم بریم خونه
hämä hōyā soxb rā qōrārmu vāhašd bešim
kiya mahmad.
محمد.

بیاید برای شام، دُور هم باشیم!
bid šum rā davr(e) yā de bim!

ما باید ناهار بفرستیم برای کارگراها.
hämä apīya nōhār behrasnim hayārḥā rā.

برای چی چای برای من نریختی؟
čiči rā čāyid mu rā nerit?

گاه حرف اضافه rā در کلام گویشوران طرقي، مانند آنچه در زبان فارسی کلاسیک دیده می‌شود^{۱۲}، مفهوم زمانی دارد. مثال:

برای ظهر بیاید خونه ما!
zohr rā bid kiya hämä!

شایان ذکر است که لهجه طرقي از گویش راجی به لحاظ ساختاری از نوع کُنایی (ergative) است و به بیان روشن‌تر، در جمله‌های طرقي، در حالت‌هایی مشخص، شناسه فعل از انتهای آن برداشته می‌شود و درون ساختار فعل یا جمله حرکت می‌کند^{۱۳}. بر مبنای این قاعده، در جمله‌های حاوی حرف اضافه rā نیز گاه شناسه فعل از پایان آن برداشته می‌شود و در میان متمم و حرف اضافه قرار می‌گیرد. مثال:

من برای تو گفتم.
mu tom rā bevāt¹⁴.

ب) در ترکیب با حرف اضافه dürü: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی rā ... dürü به معنای «برای» ساخته می‌شود و rā بخش دوم از این حرف اضافه است. متمم این حرف اضافه دوجزئی میان دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد و همواره از نوع ضمیر شخصی بیوسته است. مثال:

شام پرام بیارید!
šum dūrüm rā bārid!

فاطمه هر روز غذا پراشون مباره.
Fātuma har rü qözä dūrūšu rā ayra.

دیروز مادرم ناهار پرامون آش جو پخته بود.
hezze mayum nōhār dūrümü rā äš(e) yaš
bepaxxa bo.

بگو تا من پرات جا نگه دارم!
bevā tā mu dūrüd rā yā güš dāru!

ج) در ترکیب با حرف اضافهٔ مرگب *bexäter(e)*: در این حالت، حرف اضافهٔ دوجزئی *bexäter(e)* ... شکل می‌گیرد که در آن، حرف اضافهٔ *rä* معنا ندارد. متمم این حرف اضافهٔ دوجزئی از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست و درمیان دو بخش سازندهٔ آن قرار می‌گیرد. مثال:
 من به خاطر این‌ها [در / توی] خونه موندم.
mu bexäter(e) medi rä kiya bemandu.

۳-۱-۴. *bos(e)*

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تهایی: در این حالت، حرف اضافهٔ *bos(e)* از نوع پیشین و به معنی «پیش» است و پس از آن، گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهها قرار می‌گیرد. مثال:

رفته ده^{۱۵}، پیش عموی مادری.
bešiya dah bos(e) ämü mayeš.

پیش این / پیش نشین!
bos(e) mi/ bošeš hämanig!

پیش کی می شه گفت؟
bos(e) ki babü vät?

ب) در ترکیب با حرف اضافهٔ *de*: در این حالت، حرف اضافهٔ دوجزئی *de ... bos(e)* ساخته می‌شود که به معنای «پیش» یا «از پیش» است. متمم این حرف اضافهٔ دوجزئی بین دو بخش سازندهٔ آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی اقسام قیدهاست. مثال:

پیش این‌ها حرف زن!
bos(e) medi de qäya maki!

سال‌های آخر، پیش مادرم نبودم.
salhä äxer bos(e) mayum de neboyo.

از پیششون بلند شو!
bos(e)šu de oro!

۳-۱-۵. *düm(e)*

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تهایی: در این حالت، حرف اضافهٔ *düm(e)* به معنی «روی» و از نوع پیشین است و پس از آن، گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهها قرار می‌گیرند. مثال:

کتری رو آبش کن و روی آتیش بذار!
ketri oveš di ki o düm(e) ataš ne!

در رو روی تو / روت باز نکرد.
bareš düm(e) to/ dümed tāk nenä.

هیزم‌ها رو روی این / اینجا نذار!
ezechhä düm(e) in/ ündü mane!

ب) در ترکیب با حرف اضافهٔ *de*: در این حالت، حرف اضافهٔ دوجزئی *düm(e) ... de* شکل می‌گیرد که به معنی «از روی» است. متمم این حرف اضافهٔ دوجزئی میان دو بخش سازندهٔ آن واقع می‌شود و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۱۱

düm(e) xar de derkattu. از روی خر افتادم.
این نون‌ها رو از روی این / اینجا بردار!
düm(e)š de rah maše! از رویش راه نرو!

۳-۱-۶. fet(e)

این حرف اضافه به معنی «به‌دنبال» است و به دو صورت به کار می‌رود:
الف) به‌تنهایی: در این حالت، حرف اضافه fet(e) از نوع پیشین و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی اقسام قیدهاست. مثال:

beše fet(e) kār! برو دنبالش کار!
ali fet(e) šömā/ fet(e)du gerdāratūma. علی دنبالش شما / دنبالتون می‌گشت.
ahmad fet(e) kiya? احمد دنبالش کیه؟

ب) در ترکیب با حرف اضافه de: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی de ... fet(e) شکل می‌گیرد. متمم این حرف اضافه، میان دو بخش سازنده آن واقع می‌شود و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی اقسام قیدهاست. مثال:

fet(e) in oxdov(e) garm de itā vārun(e) xub bama. دنبالش این آفتاب گرم، ی بارون خوب اومد.

۳-۱-۷. jir(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به‌تنهایی: در این حالت، jir(e) حرف اضافه پیشین و به معنی «زیر» است. متمم این حرف اضافه از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

jir(e) sāya čönār häčašda bo. زیر سایه چنار نشسته بود.

ب) در ترکیب با حرف اضافه de: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی de ... jir(e) شکل می‌گیرد که به معنای «از زیر» است. متمم این حرف اضافه دوجزئی میان دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

hami jir(e) kār de barašū. همه‌ش از زیر کار در می‌ره.

۳-۱-۸. xoy(e)

این حرف اضافه از نوع پیشین و به معنی «با» است و پس از آن، گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهها قرار می‌گیرند. مثال:

pışdarhâ vîşdar(e) arhâ xoy(e) ov kârşu کار پیشترها / قدیم‌ترها بیشتر آسیاب‌ها یا آب کار
aka.

می‌کردند.

to bore xoy(e) yâ beşim!

تو بیا یا هم بریم!

xoy(e) kid qäya beka?

یا کی حرف زدی؟

۳-۱-۹. räşd(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به‌تهایی: در این حالت، حرف اضافه räşd(e) از نوع پیشین و به معنی «راست» / «جلوی» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

beşe räşd(e) äyna, xoyed beyi!

برو راست / جلوی آینه، خودت رو ببین!

räşd(e) medi rüm äreşnedä(rd) či'i beväju.

راست / جلوی این‌ها روم نشد چیزی بگم.

ب) در ترکیب با حرف اضافه de: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی de ... räşd(e) به معنی «راست» / «جلوی» و «از راست» / «از جلوی» شکل می‌گیرد. متمم این حرف اضافه بین دو بخش سازنده آن واقع می‌شود و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

räşd(e) mi de oro!

از جلوی این باشو!

räşdeş de aväju!

راستش (جلوش) می‌گم!

۳-۱-۱۰. tel(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به‌تهایی: در این حالت، حرف اضافه tel(e) از نوع پیشین و به معنای «به» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

daseş tel(e) livän pîket o liväni derkat دستش به لیوان خورد و لیوانه افتاد
behmariyâ.

شکست.

qäya tel(e) xoyed mane!

حرف رو به خودت نذار (= نجسبون و

نسبت نده)!

ب) در ترکیب با حرف اضافه de: در این صورت، حرف اضافه دوجزئی de ... tel(e) شکل می‌گیرد که به معنای «از» و «از کنار» (کاربرد درباره سطوح عمودی) است. متمم این حرف اضافه بین دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

meli tel(e) deraxd de bälâ aşü.

گره از درخت بالا می‌ره.

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مؤگان اصغری طرقي ۱۳

شایان ذکر است که گاه گویشوران طرقي هنگام سخن گفتن به زبان فارسی معیار، این حرف اضافه را به صورت تحت‌اللفظی به فارسی ترجمه می‌کنند و به کار می‌برند. مثال:

- بذارش شکم (= کنار) دیوار!

- اینا رو شکم طرفا (= از کنار طرفا) وردار!

۳-۱-۱۱. var(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تنهایی: در این حالت، حرف اضافه var(e) از نوع پیشین و به معنی «جلوی» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

این چه غذایی بود جلوی احمد گذاشتی؟
in če qözäyi bo var(e) ahmaded nä?

ب) در ترکیب با حرف اضافه de: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی ... de var(e) شکل می‌گیرد که به معنی «از جلوی» است. متمم این حرف اضافه میان دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

var(e) mu de beše un var!

از جلوی من برو اون ور!

var(e) xoheš de ärešgerat.

از جلوی خواهش برداشت.

۳-۱-۱۲. vori

این حرف اضافه، شکل طرقي از پسوند شباهت‌ساز «-وار» در زبان فارسی است و در کلام گویشوران طرقي به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تنهایی: در این حالت، حرف اضافه vori از نوع پسین و به معنی «مانند» و «مثل» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر یا برخی اقسام قیدهاست. مثال:

qavq vori sar(e)šeš lä varf karda.

مثل کبک، سرش رو لای برف کرده.

mu jî šömä vori hesčev tä hatu ündü duru.

من هم مثل شما از دیشب تا الان اینجا

هستم.

virum naya eč sali pär vori värun bamîya bü.

یادم نمی‌آد هیچ سالی مثل پارسال بارون

اومده باشه.

vî vori alarza.

مثل بید می‌لرزه.

ب) در ترکیب با واژه mes(e): در این حالت، حرف اضافه دوجزئی *... vori mes(e)* به معنی «مثل» و «مانند» شکل می‌گیرد. متمم این حرف اضافه دوجزئی از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست و میان دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد. مثال:

این، مثل بچه قهر می‌کنه.
mī mes(e) vač(č)a vori qahr akera.

۳-۱-۱۳. yo

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تتهایی: در این حالت، حرف اضافه *yo* از نوع پیشین و به معنای «در»، «داخل» و «توی» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

پیرزنه توی باغ داشت بادوم‌ها رو جمع می‌کرد.
pirajuni yo raz dārdeš vāyamhāš āračind.

ب) در ترکیب با حرف اضافه *de*: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی *... de yo* شکل می‌گیرد که به معنای «داخل» / «توی» و «از داخل» / «از توی» است. متمم این حرف اضافه بین دو بخش سازنده آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

دیروز دوتا جوجه تیغی در/ توی باغ دیدم.
hezze dotā goltiyeṇum yo raz de bedi.

فکر کن هیچ کس رو در/ توی دنیا نداری!
fekr bekī ešgī yo donyā de nedāre!

هیچ کس در/ توی خونه نبود.
ešgī yo kiya de nebo.

این بچه گربه رو از داخل/ از توی باغچه بیرونش بیار!
in vač(č)ameli'i yo bāxča de bareš yār!

۳-۱-۱۴. bar(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به تتهایی: در این حالت، حرف اضافه *bar(e)* از نوع پیشین و به معنای «در»، «مقابل» و «بیرون» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

در خونه ما آتش روشن کرده بودند.
bar(e) kiya hāmā ataššu dergūrnā bo.

در اینجا توقف نکن!
bar(e) ündü vāmāyešd!

ب) در ترکیب با حرف اضافه *de*: در این حالت، حرف اضافه دوجزئی *... de bar(e)* شکل می‌گیرد که به معنای «از مقابل»، «از جلوی» و «از بیرون» است. متمم این حرف اضافه دوجزئی میان دو بخش سازنده آن واقع می‌شود و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مؤگان اصغری طرقي ۱۵

از جلوي مسجد راه افتادند. bar(e) masčed de rah kattand.

از بیرون حیاط، صدا می‌آد. bar(e) hayät de söda äya.

۳-۱-۱۵. pan(e)

این حرف اضافه به دو صورت به کار می‌رود:

الف) به‌تنهایی: در این حالت، حرف اضافهٔ pan(e) از نوع پیشین و به‌معنای «گوشه» است و متمم آن از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

گوشهٔ تنور گذاشت. pan(e) kereš nä.

ب) در ترکیب با حرف اضافهٔ de: در این حالت، حرف اضافهٔ دوجزئی ... de pan(e) شکل می‌گیرد که به‌معنای «از گوشه» است. متمم این حرف اضافه بین دو بخش سازندهٔ آن قرار می‌گیرد و از نوع گروه اسمی، ضمیر و برخی انواع قیدهاست. مثال:

از گوشهٔ خونه بیا بیرون! pan(e) kiya de bar iyo!

۳-۲. جایگاه حروف

به‌طور کلی، حروف اضافهٔ مورد استفاده در لهجهٔ طرقي از گویش راجی را به‌لحاظ محل قرارگیری آن‌ها در جمله و متناسب با جایگاه متمم بر چهار نوع می‌توان تقسیم کرد:

الف) حروف اضافهٔ پیشین که قبل از متمم قرار می‌گیرند؛ مانند: fet(e), düm(e), bos(e), qeyr(e), ba'd(e), bexäter(e), piš(e), be, az, yo, var(e), tel(e), räšd(e), xoy(e), jir(e), tä و pan(e), bar(e).

ب) حروف اضافهٔ پسین که پس از متمم قرار می‌گیرند؛ مانند: de, rä و vari.

ج) حروف اضافه‌ای که گاه پیش از متمم و گاه پس از آن قرار می‌گیرند؛ مانند: dä.

د) حروف اضافه‌ای که متمم بین دو جزء سازندهٔ آن‌ها قرار می‌گیرد؛ مانند: de ... bos(e) ... dä ... de, de ... düm(e) ... de, fet(e) ... de, räšd(e) ... de, tel(e) ... de, var(e) ... de, yo ... de, rä ... bexäter(e) ... rä, düm(e) ... de, vari ... mes(e) ... de, bar(e) ... de, pan(e) ... de.

جایگاه قرارگیری حروف ربط در کلام گویشوران طرقي، غالباً منطبق با الگوی رایج در زبان فارسی معیار است؛ اما در برخی موارد، حرف ربط جایگاهی لغزنده دارد و درون ساختار فعل واقع می‌شود. این مسئله دربارهٔ فعل‌هایی اتفاق می‌افتد که به‌لحاظ ساختاری، قابل تفکیک باشند و حرف ربط بتواند آن‌ها را بشکافد و درونشان قرار گیرد. مثال:

bed ke šošd, bänış yo kiya^{16!}

وقتی که شستی، بیارش توی خونه!

وقتی که برگشتیم، دیدیم همه رفته‌اند. vä ke gerdäyim, bemudi hama bešiyand¹⁷.
خشک که شدند، جمع کنید!
be ke hošgäyand, ärčini¹⁸!

۳-۳. ساختار حروف

در دسته‌بندی ای کلی، حروف مورداستفاده در کلام گویشوران طرقی را براساس ساختار آن‌ها به دو بخش می‌توان تقسیم کرد:

الف) حروف ساده (بسیط) که تنها یک جزء دارند؛ مانند: *tä, bi, be, az, o, vali, ega(r), rä, päš(e), yo, var(e), tel(e), räšd(e), xoy(e), jir(e), fet(e), düm(e), bos(e), yä, ke, vori* و *de, di, pan(e), bar(e), qeyr(e), ba'd(e)*.

ب) حروف مرکب که بیش از یک جزء دارند و براساس تفکیک ساختاری‌شان خود به دو بخش تقسیم می‌شوند:

نخست، حروف مرکبی که اجزایشان قابل تفکیک از یکدیگر است و به دیگر سخن، کلمه یا کلمه‌هایی را می‌توان میان اجزای سازنده آن‌ها قرار داد؛ مانند: *düm(e), di ... de, bos(e) ... de, bexäter(e) ... de, yo ... de, var(e) ... de, tel(e) ... de, räšd(e) ... de, fet(e) ... de, ... de, pan(e) ... de و bar(e) ... de, mes(e) ... vori, dürü ... rä, rä*. دوم، حروف مرکبی که اجزایشان قابل تفکیک از یکدیگر نیست و به دیگر سخن، هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند درون ساختارشان قرار گیرد؛ مانند *ba inke و pis(e) inke, bexäter(e)*.

۴-۳. حذف حروف

گویشوران طرقی در کلام خود به‌میزانی درخور توجه و بسیار بیشتر و متنوع‌تر از آنچه در زبان فارسی معیار رخ می‌دهد، به حذف اقسام حروف (اعم از حروف ربط، اضافه و نشانه) تمایل دارند و از این روی، فرایند حذف انواع حروف در جمله‌های طرقی، بسیار متنوع، پربسامد و شایسته تأمل فراوان است. الگوی حذف حروف در بخشی از جمله‌های طرقی با روند حذف حروف در زبان فارسی معیار تطابق دارد؛ اما در بسیاری از موارد، حذف حروف در جمله‌های طرقی، خاص این لهجه از گویش راجی است و براساس مقایسه با معادل فارسی این جمله‌ها می‌توان به حذف حروف در آن‌ها پی برد. شایان ذکر است که در بسیاری از موارد، گویشوران طرقی هنگام سخن‌گفتن به زبان فارسی معیار، فرایند حذف حروف درحوزه خاص جمله‌های طرقی را به برگردان آن جمله‌ها در زبان فارسی معیار انتقال می‌دهند؛ از این رهگذر مشاهده می‌شود که در کلام فارسی یک گویشور طرقی -برخلاف قاعده رایج در زبان فارسی معیار- برخی حروف در رساخت جمله‌ها حذف می‌شوند و بدین ترتیب، یکی از

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۱۷

وجوه تمایز میان کلام گویشوران اصیل فارسی با گویشوران طرقي ای که به زبان فارسی معیار سخن می‌گویند، ذکر یا حذف حروف در روساخت جمله‌هایی است که این دو گروه به زبان فارسی معیار تولید و بیان می‌کنند. در ادامه، فرایند حذف حروف در موارد خاص طرقي بررسی و با ذکر نمونه‌هایی اقسام آن نشان داده خواهد شد.

الف) حذف «را»ی نشانهٔ مفعول: در زبان فارسی معیار، «را»ی نشانهٔ مفعول در روساخت بسیاری از جمله‌های حاوی فعل متعدی حذف می‌شود و از آن سوی، در روساخت بسیاری دیگر از جمله‌ها این حرف پس از مفعول می‌آید؛ اما همان‌گونه که در معرفی حرف اضافهٔ *rä* اشاره شد، یکی از ویژگی‌های مهم و درخور توجه در جمله‌های حاوی فعل‌های متعدی در لهجهٔ طرقي از گویش راجی آن است که در روساخت تمام آن‌ها (بدون استثنا) «را»ی نشانهٔ مفعول حذف می‌شود و هیچ جمله‌ای را نمی‌توان یافت که در روساخت آن، «را»ی نشانهٔ مفعول وجود داشته باشد. قطعاً این مسئله، دلایل دستوری و زبان‌شناختی بسیار مهم و شایستهٔ تأملی دارد که شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها ساخت کُنایی جمله‌های طرقي باشد^{۱۹}. در ادامه، چند جملهٔ حاوی فعل متعدی از محل کلام گویشوران طرقي ذکر خواهد شد تا حذف «را»ی نشانهٔ مفعول در آن‌ها مشخص شود:

من این‌ها [رو]^{۲۰} نمی‌خواستم. *mu ihäm napiyä.*
 بچه‌ش [رو] برداشت و رفت. *vač(č)ašeš ärgerat o bešo.*
 علی این‌ها [رو] نمی‌شناسه. *ali medihä neyyässa.*
 دختره [رو] صداس کن! *doti'i väješ ki!*

احتمالاً به سبب حذف بی‌قید و شرط «را»ی نشانهٔ مفعول در جمله‌های طرقي، گویشوران اصیل طرقي رود هنگام سخن گفتن به زبان فارسی معیار، غالباً تمایل دارند «را»ی نشانهٔ مفعول را به صورت مشخص و مؤکد، «را» یا به شکل کوتاه‌شدهٔ آن، یعنی «ا» تلفظ کنند و برخلاف گویشوران اصیل فارسی معیار ترجیح می‌دهند از دیگر شکل‌های این حرف، یعنی «ر» و «-ر» استفاده نکنند. مثال:

کلام فارسی گویشوران اصیل طرقي	کلام گویشوران اصیل فارسی معیار
اینا را ببین!	اینا رُ ببین!
خونه‌ش فروخت.	خونه‌ش رُ / خونه‌ش فروخت.

ب) حذف تمام یا بخشی از حرف اضافه: در این حوزه نیز کلام گویشوران طرقي نشان می‌دهد آنان به‌میزانی درخور توجه به حذف تمام یا قسمتی از این عنصر تمایل دارند. مثال:

آخرش [از]^{۲۱} دست تو از این خونه می‌رم!
äxereš das(se)²² to in kīya de ašü!
 [به] این‌ها بگو امشب ما نمی‌تونیم بیاییم.
medi väj amšev hämä našūmu tüma.
 سر [به] سر من نذار!
sar sar(e) mu mane!

päšeš ar bäläyī näya.	پاش رو [در] آسیاب بالایی گذاشته ^{۲۳} .
čorä qözä vač(č)a nate?	چرا غذا [به] بچه نمی‌دی؟
hami xov appara.	همه‌ش [از] خواب می‌پره.
to zütar(e) hämä berassäye.	تو زودتر [از] ما رسیدی.
pīše inke dotämüm bexäze, tom nediya bo.	پیش [از] اینکه دخترعموم [رو] بگیری، تو [رو] ندیده بودم.
eqzar xün jigär(e) mu makī!	این قدر خون [در] جگر من نکن!
diya(d) mu ki!	نگاه (ت) [به] من کن!
güş qäya nata.	گوش [به] حرف نمی‌ده.
itä darzin xoyed band, itä gündüj mardom!	ی سوزن [به] خودت بز، ی جوال دوز [به] مردم!
tešnij bemarku!	[از] تشنگی مُردم!
ov bebo/ gerdä (o) zimīn fūrūšo.	آب شد و [در] زمین فرورفت.
peyvand(e) bozorguneš kār bassa.	پیوند [با] بزرگان زده.
šäxeš sareš näya.	شاخ [روی] سرش گذاشته.

ج) حذف تمام یا بخشی از حرف ربط: در این حوزه، حذف حروف، بیشتر منطبق با الگوی فارسی معیار است. مثال:

nexere, amere?	[اگر] ^{۲۴} نخوری، می‌میری؟
derkim, daspämu ahmariya.	البته برخی موارد خاص طرقی هم دیده می‌شود. مثال: بیفتیم، دست [و] پامون می‌شکته.

با توجه به توضیحات و نمونه‌های ذکرشده در این قسمت می‌توان گفت در مجموع، در کلام گویشوران طرقی، حذف نشانه مفعول، بیشتر از دیگر حروف صورت می‌گیرد و این ویژگی یکی از وجوه مهم تمایز میان طرقی و فارسی معیار است. پس از آن، حذف تمام یا بخشی از حروف اضافه، چه در موارد مشترک با فارسی معیار و چه در موارد خاص طرقی، بسیار پربسامد و درخور توجه است. درحوزه حذف حروف ربط، غالباً جمله‌های طرقی با جمله‌های فارسی معیار تطابق دارند و برخی موارد خاص طرقی نیز دیده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفته شد، مقوله حروف در لهجه طرقي از گویش راجی، کاربردها و ویژگی‌هایی خاص و درخور توجه دارد که ضرورت پژوهش درباره آن را توجیه می‌کنند، و بر این اساس، در مقاله پیش‌روی، حروف ربط، اضافه و نشانه با تمرکز بر موارد خاص طرقي واکاوی شده‌اند.

حروف اضافه خاص طرقي که در این مقاله معرفی و بررسی شده‌اند، عبارت‌اند از: di, de, di, ... di, de, düm(e) ... de, düm(e), bos(e) ... de, bos(e), bexäter(e) ... rä, dürü ... rä, de, tel(e) ... tel(e), räšd(e) ... de, räšd(e), xoy(e), jir(e) ... de, jir(e), fet(e) ... de, fet(e), bar(e) ... de, bar(e), yo ... de, yo, mes(e) ... vor, vor, var(e) ... de, var(e), de, pan(e) ... de و pan(e). نکته درخور تأمل درباره این حروف آن است که در برخی موارد، گویشوران طرقي هنگام سخن گفتن به زبان فارسی معیار، آن‌ها را به صورت تحت‌اللفظی به فارسی ترجمه می‌کنند و در جمله‌های فارسی به کار می‌برند. به طور کلی، حروف اضافه در جمله‌های طرقي براساس جایگاهشان در جمله و متناسب با متمم‌های آن‌ها بر چهار نوع تقسیم می‌شوند: حروف اضافه پیشین، حروف اضافه پسین، حروف اضافه‌ای که گاه پیشین و گاه پسین هستند، و حروف اضافه دوجزئی که متمم میان دو بخش سازنده آن‌ها قرار می‌گیرد.

در حوزه نوع حروف ربط و کاربرد آن‌ها در جمله‌های طرقي، چندان تفاوتی میان لهجه طرقي از گویش راجی با زبان فارسی معیار دیده نمی‌شود؛ البته در برخی موارد، حرف ربط، جایگاهی لغزنده در جمله دارد و درون ساختار فعل قرار می‌گیرد.

به لحاظ ساختاری، حروف مورد استفاده در جمله‌های طرقي را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: نخست، حروف ساده (بسیط) که تنها یک جزء دارند؛ دوم، حروف مرکب که بیش از یک جزء دارند و خود شامل دو نوع هستند: یکی حروف مرکبی که اجزایشان قابل تفکیک از یکدیگر است و دیگری حروف مرکبی که اجزایشان را نمی‌توان از هم تفکیک کرد.

حذف انواع حروف در کلام گویشوران طرقي در مقایسه با این فرایند در زبان فارسی معیار، بسیار بیشتر و متنوع‌تر رخ می‌دهد. در این حوزه، پربسامدترین حذف درباره «را»ی نشانه مفعول اتفاق می‌افتد که در تمام جمله‌های طرقي دارای فعل متعدی (بدون استثنا) حذف می‌شود. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، فرایند حذف «را»ی نشانه مفعول در کلام گویشوران طرقي براساس دلایل دستوری قابل تأملی صورت می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ساختار کنایی جمله‌های این لهجه از گویش راجی است. پس از نشانه مفعول، بیشترین گرایش به حذف حروف در جمله‌های طرقي، درباره حروف اضافه دیده می‌شود که گویشوران طرقي در بسیاری از موارد، تمام یا بخشی از آن‌ها را در کلامشان حذف می‌کنند. فرایند حذف حروف ربط در جمله‌های طرقي، غالباً با الگوی حذف حروف ربط در

زبان فارسی معیار منطبق است و البته برخی موارد خاص طرقي نیز دیده می‌شود. نکته درخور توجه در بحث حذف حروف در جمله‌های طرقي آن است که گویشوران طرقي هنگام سخن گفتن به زبان فارسی معیار، غالباً حذف‌های خاص طرقي را به فارسی معیار انتقال می‌دهند و از این رهگذر، میان جمله‌های فارسی معیار تولیدشده از سوی گویشوران طرقي با جمله‌هایی که گویشوران اصیل فارسی معیار تولید می‌کنند، تفاوتی چشمگیر وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله، براساس خصوصیات آوایی، واژگانی و دستوری، راجی، یکی از گویش‌های منشعب از زبان فارسی قلمداد شده است که در منطقه‌های گوناگون، لهجه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد؛ سپس براساس تفاوت این لهجه‌ها با یکدیگر (معمولاً از منظر آوایی و خیلی کم از نظر دستوری و واژگانی)، طرقي یکی از لهجه‌های منشعب از گویش راجی دانسته شده است. شایان ذکر است که صاحب‌نظران برسر ماهیت گویش راجی و لهجه طرقي با هم متفق نیستند؛ چنان‌که برخی راجی را زبان و عده‌ای نیز آن را گویش به‌شمار آورده‌اند؛ همچنین تعدادی از صاحب‌نظران طرقي را زبان، گروهی دیگر آن را گویش و بعضی نیز آن را لهجه دانسته‌اند.
۲. قسمت‌هایی که داخل پرانتز قرار گرفته‌اند، هم در طرقي و هم در فارسی، گاه ذکر و گاه حذف می‌شوند.
۳. چون این حرف اضافه از نوع پسین است، ضمیرهای شخصی‌ای که به‌عنوان متمم، پیش از آن در جمله ظاهر می‌شوند، همواره از نوع گسسته هستند. در جدول زیر، ضمیرهای شخصی گسسته و پیوسته در لهجه طرقي از گویش راجی نشان داده شده‌اند:

شخص	ضمیر گسسته	ضمیر پیوسته
اول شخص مفرد	mu	-m
دوم شخص مفرد	to	-d
سوم شخص مفرد	mī/ ī	-š
اول شخص جمع	hämä	-mu
دوم شخص جمع	šömä	-du
سوم شخص جمع	medi/ edi	-šu

۴. از آنجا که کلام گویشوران طرقي در زمره زبان گفتاری (محویره‌ای) قرار می‌گیرد، در ترجمه فارسی جمله‌ها نیز زبان فارسی گفتاری انتخاب شده است تا برگردان فارسی جمله‌ها با اصل طرقي آن‌ها انطباق داشته باشد.
۵. در ترجمه نمونه‌ها مواردی که به این صورت، بین دو قلاب قرار گرفته‌اند، عناصر حذف‌شده از جمله هستند. در ادامه مقاله درباره حذف حروف در جمله‌های طرقي به تفصیل سخن گفته خواهد شد.

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مژگان اصغری طرقي ۲۱

۶. گویشوران طرقي به‌میزانی درخور توجه به حذف کسره اضافه و میانجی تمایل دارند و غالباً آن را در گفتارشان حذف می‌کنند؛ از این روی، در مقاله حاضر، در آوانگاری لاتین برخی نمونه‌ها کسره اضافه و میانجی داخل پراتنز قرار گرفته است.

۷. این کلمه بسیط‌گونه از سه جزء بدین شرح ساخته شده است: di: به؛ š: او؛ ät: شکل مختصرشده از واژه vät که بن ماضی از مصدر vätmun به‌معنای «گفتن» است.

۸. این کلمه بسیط‌گونه از چهار جزء بدین شرح ساخته شده است: di: به؛ d: تو؛ äj: شکل مختصرشده از واژه väj که بن مضارع از مصدر vätmun به‌معنای «گفتن» است؛ u: شناسه فعل.

۹. مثلاً در این نمونه، شناسه š در انتهای واژه xärsüm نشان می‌دهد متمم حذف‌شده بعد از di سوم‌شخص مفرد بوده است.

۱۰. در بحث حذف حروف در همین مقاله، به‌تفصیل به این موضوع پرداخته و نمونه‌هایی از جمله‌های حاوی فعل متعدی در لهجه طرقي از گویش راجی به‌دست داده خواهد شد.

۱۱. این‌گونه کاربرد حرف اضافه «را» در نثر و نظم فارسی کلاسیک، بسیار پربسامد است و از ویژگی‌های سبکی این حوزه از زبان فارسی محسوب می‌شود. مثال:

منت خدای را- عز و جل- که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت (گلستان سعدی).

ز مادر، همه مرگ را زاده‌ایم بر اینیم و گردن ورا داده‌ایم (شاهنامه فردوسی)

۱۲. این‌گونه کاربرد حرف اضافه «را» نیز در متون نثر و نظم فارسی کلاسیک، شاخص و پربسامد است. مثال: نماز دیگر را پل آن‌چنان شد که بر آن جمله یاد نداشتند (تاریخ بیهقی).

۱۳. برای دیدن تفصیل این مبحث ر.ک: اسدی مفترح و اصغری طرقي (مقاله در دست انتشار).

۱۴. در این نمونه، شناسه m درمیان متمم (to) و حرف اضافه (rä) قرار گرفته است.

۱۵. به‌صورت معرفه، طرقي موردنظر است.

۱۶. در این نمونه، حرف ربط ke فعل bedšošd را شکافته و درون ساختار آن قرار گرفته است.

۱۷. در این نمونه، حرف ربط ke فعل vägerdäyım را شکافته و درون ساختار آن قرار گرفته است.

۱۸. در این نمونه، حرف ربط ke فعل behošgäyand را شکافته و درون ساختار آن قرار گرفته است.

۱۹. ر.ک: اسدی مفترح (مقاله در دست انتشار).

۲۰. در تمام این نمونه‌ها دیده می‌شود که «را»ی نشانه مفعول در روساخت جمله‌های طرقي حاوی فعل متعدی حذف شده و از این جهت، در برگردان فارسی، نشانه مفعول داخل علامت قلاب قرار گرفته است.

۲۱. حروف اضافه‌ای که داخل قلاب قرار گرفته‌اند، در روساخت جمله‌های طرقي حذف شده‌اند و در زبان فارسی معیار ظاهر می‌شوند.

۲۲. دو واج e و s بدان سبب داخل پراتنز قرار گرفته‌اند که گاهی حذف می‌شوند.

۲۳. این جمله یک کنایه پرکاربرد درمیان گویشوران طرقي است با این مفهوم که شخص از حد خود فراتر رفته است.

۲۴. این حرف ربط هم در طرقي و هم در فارسی معیار حذف یا ذکر می‌شود.

منابع

- ۱- آقاریع، ابوالحسن. (۱۳۸۳). گویش راجی هنجن، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی - گروه نشر آثار.
- ۲- احمدی، امیر و محرابی، حجت. (۱۳۸۹). «واژگان دال بر نام اندام‌های بدن در ساختار اصطلاحات گویش راجی: یک تحلیل شناختی»، همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، دانشگاه سمنان، ص ۸۱-۱۰۱.
- ۳- اسدی مفتح، طیبه. (مقاله در دست انتشار). «هم‌تصریفی حالت مطلق و مفعولی در طرقي ازمنظر ساخت‌واژه توزیعی»، پنجمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران (گذشته و حال) - دی‌ماه ۱۳۹۹.
- ۴- اسدی مفتح، طیبه و اصغری طرقي، مژگان. (مقاله در دست انتشار). «بررسی ساخت کُنایی در لهجه طرقي از گویش راجی از منظر انگاره ساخت‌واژه توزیعی»، فصلنامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا.
- ۵- اسماعیلی، محمدمهدی. (۱۳۹۰). گنجینه گویش‌های ایرانی استان اصفهان ۱: گویش‌های طرقي، طاری، کشه‌ای، طامه‌ای، نظنزی، تکیه‌ای، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۶- اصغری طرقي، مژگان. (۱۳۹۸). «دستگاه صرف فعل در لهجه طرقي از گویش راجی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، (۱)۵، ۲۸-۱.
- ۷- انوشه، مزدک. (۱۳۹۹). صرف در نحو: از کمینه‌گرایی تا صرف توزیعی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- حلواچی نشلجی، عباس. (۱۳۹۰). فرهنگ گویش راجی نسلج، چاپ اول، کاشان: همگام با هستی.
- ۹- خراسانی، سعید. (۱۳۹۸). بررسی زبانی، ادبی و محتوایی ضرب‌المثل‌های گویش راجی شهرستان دلیجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: محسن مؤمن، دانشگاه پیام نور استان مرکزی، مرکز پیام نور دلیجان.
- ۱۰- خطیب‌رهبر، خلیل. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی: کتاب حروف اضافه و ربط (مشمول بر تعریف و تقسیم و شرح اصطلاحات و معانی و کاربرد حروف)، چاپ اول، تهران: سعدی (سرای اخوان).
- ۱۱- دهقانیان، عباس. (۱۳۸۶). فرهنگ جامع زبان و گویش نظنز، چاپ اول، تهران: پرشکوه.
- ۱۲- رئیس‌پور، راشین. (۱۳۹۰). بررسی فرایندهای اشتقاق و ترکیب در گویش راجی هنجن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، استاد راهنما: فریبا قطره، دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ، دانشگاه الزهرا.

حروف و برخی ویژگی‌ها و کاربردهای آن در لهجه طرقي از ... (ص ۱-۲۳)----- مؤگان اصغری طرقي ۲۳

۱۳- صفری، حسین. (۱۳۷۳). واژه‌نامه راجی: گویش شهرستان دلیجان، با پیشگفتار و یآوری فریدون جنیدی، چاپ اول، بی‌جا: بی‌نا.

۱۴- طالبی بیدهندی، علی. (۱۳۹۸). زیندا: زندگی در بیدهند نطنز، گویش بیدهندی، چاپ اول، تهران: مؤسسه آموزشی-تألیفی ارشدان.

۱۵- مجیدی، محمدرضا. (۱۳۵۴). گویش‌های پیرامون کاشان و محلات، تهران: فرهنگستان زبان ایران.

۱۶- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۴). «پلورالیسم قومی-زبانی و هویت ملی»، نامه انسان‌شناسی، ۴(۷)، ۱۴۶-۱۲۹.

۱۷- مدنی، داوود. (۱۳۷۴). توصیف گروه فعلی گویش راجی (گویش دلیجان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، استاد راهنما: کوروش صفوی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۸- ملکی، محمود. (آذر ۱۳۹۳). «بررسی فرایندهای واجی گویش راجی»، مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی: ویژه‌نامه فرهنگستان، ۳(۱)، ۱۵۶-۱۲۹.

۱۹- نجفی، زهره. (۱۳۹۰). «کاربرد حروف در یکی از گویش‌های محلی استان اصفهان (گویش نیسیان)»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، ۱(۳)، ۲۲۸-۲۱۱.